نشریه فرهنگ و ارتقای سلامت فرهنگستان علوم پزشکی
دوره نهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۴، صفحات ۲۵۸ تا ۲۶۴

اصیل

ارتقای تاب‌آوری در نظام آموزشی ایران در شرایط پساجنگ

کامران باقری لنکرانی[۱]، محمدحسین تقدیسی[۲]، لادن ناز زاهدی[۳]، مریم خیام‌زاده*[۴]

۱. استاد ممتاز بیماری‌های گوارش، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران
۲. استاد، دکترای ارتقای سلامت و آموزش بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
۳. دکترای اخلاق پزشکی، هیئت علمی فرهنگستان علوم پزشکی، تهران، ایران
۴. *نویسنده مسئول: دانشیار، متخصص پزشکی اجتماعی، فرهنگستان علوم پزشکی، تهران، ایران، khayamzadeh@yahoo.com

دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۶/۱۳ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۸/۲۵

چکیده

زمینه و هدف: تاب‌آوری در نظام آموزشی به معنای توانایی مقابله با بحران‌هایی همچون جنگ، بلایای طبیعی و همه‌گیری‌ها است؛ بحران‌هایی که یادگیری و سلامت روان دانش‌آموزان را تهدید می‌کنند. این پژوهش با تأکید بر عوامل مؤثر و ارائه راهکارهای کاربردی، به بررسی ارتقای تاب‌آوری آموزشی در شرایط پساجنگ می‌پردازد.

روش: مطالعه حاضر یک پژوهش کیفی است که با استفاده از روش بحث گروهی متمرکز و با مشارکت اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، مسئولان و کارشناسان ارشد حوزه‌های آموزش و سلامت در فرهنگستان علوم پزشکی انجام شد. داده‌ها از طریق ضبط و یادداشت‌برداری گردآوری، پیاده‌سازی و کدگذاری شدند. تحلیل مضمون برای شناسایی محورهای اصلی به کار رفت.

یافته‌ها: تحلیل داده‌های حاصل از بحث گروهی متمرکز پنج محور کلیدی برای ارتقای تاب‌آوری نظام آموزشی در شرایط پساجنگ را آشکار ساخت: مدیریت و سیاست‌گذاری آموزشی با تأکید بر هماهنگی ملی؛ منابع انسانی و ظرفیت‌سازی شامل آموزش و بازآموزی معلمان؛ زیرساخت‌ها و امکانات آموزشی از طریق بازسازی و بهره‌گیری از فناوری؛ حمایت‌های روانی ـ اجتماعی برای دانش‌آموزان، معلمان و خانواده‌ها؛ و مشارکت و انسجام اجتماعی به‌منظور تقویت اعتماد و همبستگی. این محورها، تصویری جامع از ابعاد چندگانه تاب‌آوری آموزشی را ارائه می‌کنند.

نتیجه‌گیری: تاب‌آوری نظام آموزشی در شرایط پساجنگ فراتر از بازسازی فیزیکی است و نیازمند مدیریت هماهنگ، منابع انسانی توانمند، زیرساخت مقاوم، حمایت روانی ـ اجتماعی و مشارکت جامعه است. اجرای این مؤلفه‌ها تداوم یادگیری، تقویت سرمایه اجتماعی و بازسازی اعتماد عمومی را تضمین می‌کند.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌های مرتبط با جنگ، آموزش، تاب‌آوری، سلامت روان

مقدمه

تاب‌آوری، به توانایی فرد در مواجهه مؤثر با فشارها، استرس‌ها، ناامنی‌ها و تغییرات اجتماعی اشاره دارد و مجموعه‌ای از مهارت‌ها مانند خودکارآمدی، حمایت اجتماعی، تنظیم هیجانی، هوش اجتماعی و باورهای ذهنی را در بر می‌گیرد (۱).

در دهه‌های اخیر، نظام‌های آموزشی در سراسر جهان با چالش‌های متعددی روبه‌رو شده‌اند که تاب‌آوری روانی ـ اجتماعی دانش‌آموزان و معلمان را تحت تأثیر قرار داده است. بحران‌هایی همچون همه‌گیری کووید-۱۹، تغییرات اجتماعی سریع و تحولات فناوری آموزشی، محیط مدرسه و ساختار روانی و اجتماعی آن را دستخوش تغییر کرده‌اند (۳ و ۲).

تاب‌آوری آموزشی به معنای توانایی نظام آموزشی برای مقابله با بحران‌هایی مانند جنگ، بلایای طبیعی یا اپیدمی‌ها است؛ به‌گونه‌ای که

Please cite this article as:
Bagheri Lankarani K, Taghdisi MH, Zahedi L, Khayamzadeh M.Promoting Resilience in the Iranian Educational System in Post-War Conditions. Iran J Cult Health Promot 2025; 9(3): 258-264.

Copyright: © Iranian Journal of Culture and Health Promotion. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-09-05]

فرایند یادگیری دانش‌آموزان استمرار یابد، حمایت‌های لازم از آنان صورت گیرد و آموزش در کوتاه‌ترین زمان ممکن به مسیر عادی باز گردد. ارتقای تاب‌آوری آموزشی می‌تواند در کاهش فرسودگی روانی معلمان، کاهش ترک تحصیل و افزایش مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های مدرسه و اجتماع نقش مؤثری ایفا کند (۴).

جنگ‌ها و درگیری‌های مسلحانه از مهم‌ترین عوامل برهم‌زننده نظم اجتماعی محسوب می‌شود و پیامدهای جدی برای بخش آموزش به همراه دارند. تداوم آموزش در دوران جنگ و بازسازی نظام آموزشی در دوره پس از جنگ، نقشی کلیدی در بازگشت آرامش، بازسازی اعتماد و تقویت انسجام اجتماعی دارد. از همین‌رو، در سال‌های اخیر اصطلاح «تاب‌آوری آموزشی» به‌طور فزاینده‌ای مورد توجه پژوهشگران و سیاست‌گذاران قرار گرفته است (۷ و ۶ و ۵).

در ایران، با توجه به تجربه آسیب‌های ناشی از جنگ و سایر بحران‌ها، ضرورت تدوین برنامه‌ای برای تقویت تاب‌آوری آموزشی بیش از پیش احساس می‌شود. هرچند طرح‌هایی مانند برنامه نماد، طرح دادرس و سفیران سلامت می‌توانند نقش حمایتی داشته باشند، اما چالش‌هایی همچون نبود هماهنگی سازمان‌های مختلف، پراکندگی مسئولیت‌ها، کمبود نیروی متخصص، ضعف در ارزیابی و محدودیت منابع مالی، مانع تحقق کامل اهداف این برنامه‌ها شده است. از این‌رو، تدوین برنامه‌ای جامعه و یکپارچه که همسو با سیاست‌های کلی نظام سلامت و آموزش کشور باشد، اجتناب‌ناپذیراست.

این مقاله با هدف شناسایی عوامل و محورهای کلیدی موردنیاز برای ارتقای تاب‌آوری در نظام آموزشی ایران در شرایط پساجنگ نگاشته شده است؛ برنامه‌ای که می‌تواند به‌عنوان نقشه راهی عملی برای سیاست‌گذاران و مدیران آموزشی کشور مورد استفاده قرار گیرد.

روش

این پژوهش یک مطالعه کیفی بود که به استفاده از روش بحث گروهی متمرکز (Focus Group Discussion) به منظور شناسایی دیدگاه‌ها و تجربیات ذی‌نفعان در زمینه ارتقای تاب‌آوری نظام آموزشی در دوران پس از جنگ انجام شد. داده‌های اصلی از مباحث مطرح‌شده در جلسات تخصصی گروه ارتقای سلامت فرهنگستان علوم پزشکی گردآوری شد. جلسات با حضور اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های مختلف در حوزه‌های مرتبط با ارتقای سلامت، مسئولان و کارشناسان ارشد از وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، آموزش و پرورش، و آموزش عالی (وزارت علوم) و جمعیت هلال‌احمر برگزار گردید. در مجموع ۲۶ نفر از شرکت‌کنندگان که دارای تجربه‌های اجرایی و دانش نظری در زمینه‌های مرتبط بودند، در دو جلسه شرکت کردند. پس از تبادل‌نظر متخصصان حوزه‌های مختلف، اشباع داده حاصل شد.

در بخش نخست، مرور مطالعات موجود و تجربیات کشورهای مختلف در زمینه تاب‌آوری نظام‌های آموزشی در شرایط بحران صورت گرفت. در بخش دوم، شرکت‌کنندگان به بحث و تبادل‌نظر پیرامون چالش‌ها، فرصت‌ها و راهکارهای قابل اجرا در آموزش مناطق پساجنگ پرداختند. تمامی مباحث به‌صورت ضبط صوت ثبت شد و هم‌زمان، یادداشت‌برداری توسط دو پژوهشگر مستقل انجام گرفت تا از پوشش کامل مطالب اطمینان حاصل شود.

برای تحلیل داده‌ها، فایل‌های صوتی جلسات پیاده‌سازی و متن خام بازبینی و اصلاح شد. سپس فرآیند کدگذاری آغاز گردید: ابتدا واحدهای معنایی مرتبط با تاب‌آوری شناسایی شدند؛ در ادامه، کدهای مشابه بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌ها در قالب محورهای مستقل گروه‌بندی شدند . در این مرحله از رویکرد کدگذاری کیفی استفاده شد؛ به این ترتیب که ابتدا کدگذاری باز برای استخراج مفاهیم اولیه انجام گرفت، سپس در مرحله کدگذاری محوری ارتباط میان کدها و مقوله‌های فرعی شناسایی شد و در نهایت با بهره‌گیری از کدگذاری انتخابی مضامین اصلی مرتبط با تاب‌آوری نظام آموزشی استخراج گردید. این طبقات نشان‌دهنده حوزه‌های اصلی مؤثر بر تاب‌آوری نظام آموزشی بودند؛ شامل ساختار مدیریتی و سیاست‌گذاری، منابع انسانی و ظرفیت‌سازی، زیرساخت‌ها و امکانات آموزشی، حمایت‌های روانی - اجتماعی، و مشارکت جامعه.

به‌منظور افزایش اعتبار داده‌ها و اطمینان از صحت تفسیرها، ابتدا، یافته‌های اولیه در اختیار برخی از شرکت‌کنندگان قرار گرفت تا با مرور آن‌ها، نظرات اصلاحی و تکمیلی خود را ارائه دهند. سپس، تحلیل داده‌ها توسط چند پژوهشگر از رشته‌های مختلف انجام شد تا تنوع دیدگاه‌ها در فرآیند تفسیر لحاظ شود. علاوه بر این، اسناد و گزارش‌های مرتبط با آموزش در شرایط بحران‌های گذشته نیز مرور و با یافته‌های استخراج‌شده تطبیق داده شد.

این رویکرد مطالعه امکان آن را فراهم ساخت تا براساس یک فرآیند مشارکتی و مبتنی بر تجارب واقعی متخصصان و صاحبنظران، محورهای اصلی برای تدوین برنامه ارتقای تاب‌آوری نظام آموزشی در شرایط پساجنگ شناسایی و تعیین شوند.

یافته‌ها

تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از جلسات گروه ارتقای سلامت منجر به استخراج پنج محور اصلی گردید که تصویری جامع از تاب‌آوری نظام آموزشی در شرایط پساجنگ ارائه می‌کنند.

محور اول: «مدیریت و سیاست‌گذاری آموزشی» شرکت‌کنندگان بر این باور بودند که در شرایط پساجنگ، نبود سیاست‌گذاری هماهنگ و مقتدر موجب موازی‌کاری سازمان‌های مختلف، پراکندگی اقدامات آموزشی و اتلاف منابع می‌شود. بسیاری تأکید کردند که وزارت آموزش و پرورش باید

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-09-05]

نقشی راهبردی ایفا کرده و مسئولیت هماهنگی میان سازمان‌های دولتی و غیردولتی را برعهده گیرد. در این راستا، پیشنهاد شد ملاحظات مربوط به تاب‌آوری در برنامه‌های آموزشی گنجانده شود؛ چراکه در صورت فقدان مدیریت کلان و یکپارچه در سطح ملی، هر سازمان به‌طور مستقل عمل خواهد کرد و در نهایت دانش‌آموزان، معلمان و اساتید آسیب خواهند دید.

محور دوم: «منابع انسانی و ظرفیت‌سازی» بود. در این محور، جایگاه معلمان و آموزگاران به‌عنوان ستون اصلی نظام آموزشی مورد تأکید قرار گرفت. شرکت‌کنندگان اشاره کردند که معلمان در مناطق پساجنگ علاوه بر وظیفه آموزشی، باید نقش‌های روان‌شناختی و اجتماعی نیز ایفا کنند. از این‌رو، آماده نیازمند آموزش‌های ویژه در حوزه‌هایی نظیر مدیریت استرس، مهارت‌های ارتباطی، مداخلات اولیه روانی و آموزش در شرایط اضطراری هستند. پیشنهاد شد برنامه‌های بازآموزی برای معلمان طراحی و در قالب کارگاه‌های منظم اجرا شود. همچنین به مسئله کمبود نیروی انسانی اشاره شد؛ بنابراین استفاده از معلمان به عنوان مشاور، برنامه‌ریزی برای جذب نیروهای جدید و بهره‌گیری از نیروهای آموزش‌دیده ضرورت دارد.

محور سوم: «زیرساخت‌ها و امکانات آموزشی» بسیاری از مدارس در مناطق جنگ‌زده تخریب یا آسیب‌دیده‌اند و امکان استفاده فوری از آن‌ها وجود ندارد. علاوه بر این، کمبود تجهیزات آموزشی، کتاب‌های درسی و وسایل کمک‌آموزشی شرایط را دشوارتر می‌سازد. راهکارهایی همچون احداث مدارس موقت، بازسازی تدریجی مدارس و بهره‌گیری از فناوری‌های آموزشی ـ به‌ویژه آموزش مجازی ـ مورد توجه قرار گرفت. برخی از شرکت‌کنندگان تجربه موفق آموزش از راه دور در دوران همه‌گیری کووید ـ۱۹ را یادآور شدند و معتقد بودند این شیوه می‌تواند در مناطق پساجنگ نیز کارآمد باشد، به‌ویژه در دوره‌های کوتاه‌مدتی که امکان بازگشایی مدارس وجود ندارد.

محور چهارم: «حمایت‌های روانی اجتماعی» این محور جایگاه ویژه‌ای در بحث‌ها داشت. تجربه جنگ و پیامدهای آن تأثیرات عمیقی بر سلامت روان دانش‌آموزان، خانواده‌ها و کارکنان آموزشی برجای می‌گذارد. شرکت‌کنندگان تأکید کردند که بسیاری از کودکان در مناطق پساجنگ با اختلالات اضطرابی، افسردگی و مشکلات تمرکز مواجه‌اند؛ بنابراین مدارس باید به محیط‌های امن و حمایتگر تبدیل شوند. پیشنهادهایی همچون ایجاد واحدهای مشاوره‌ای در مدارس، حضور روان‌شناسان و مشاوران، آموزش معلمان برای شناسایی علائم روانی، و طراحی برنامه‌های نشاط‌آور و سرگرم‌کننده برای کودکان مطرح شد. همچنین، خانواده‌ها نیز نیازمند حمایت هستند؛ زیرا بدون بازتوانی روانی خانواده، حمایت از کودک دشوار خواهد بود. در این زمینه، جلب همکاری سازمان‌های مردم‌نهاد و گروه‌های داوطلب اهمیت زیادی دارد.

محور پنجم: «مشارکت و انسجام اجتماعی» یافته‌ها نشان داد که تاب‌آوری نظام آموزشی بدون مشارکت فعال جامعه امکان‌پذیر نیست. گروه‌های مردمی و والدین می‌توانند نقش مهمی در بازسازی اعتماد اجتماعی و حمایت از مدارس ایفا کنند. مشارکت جامعه در بازسازی مدارس، تأمین منابع مالی و انسانی، و نظارت بر روند آموزش از جمله محورهای برجسته این بخش بود. برخی از شرکت‌کنندگان تأکید کردند که مشارکت جامعه نه‌تنها بار دولت را کاهش می‌دهد بلکه حس مالکیت و مسئولیت‌پذیری مردم نسبت به آموزش کودکان را نیز تقویت می‌کند.

از ترکیب این پنج محور ـ مدیریت و سیاست‌گذاری آموزشی، منابع انسانی و ظرفیت‌سازی، زیر ساخت‌ها و امکانات آموزشی، حمایت‌های روانی ـ اجتماعی، و مشارکت و انسجام اجتماعی ـ چارچوبی جامع برای تدوین برنامه ارتقای تاب‌آوری نظام آموزشی در شرایط پساجنگ حاصل گردید.

بحث

یافته‌های این مطالعه نشان داد که تاب‌آوری نظام آموزشی در شرایط پس از جنگ و بحران، مستلزم رویکرد چندبعدی است که مؤلفه‌های مدیریتی و سیاست‌گذاری، منابع انسانی و ظرفیت‌سازی، زیرساخت‌ها و امکانات، حمایت‌های روانی ـ اجتماعی، و مشارکت و انسجام اجتماعی را به‌طور هم‌زمان در نظر گیرد. این ساختار پنج‌گانه با بسیاری از نتایج پژوهش‌های بین‌المللی همخوانی دارد. در همین راستا، مرور چارچوب‌های نظری همچون مدل‌های تاب‌آوری لوتار و بونانو می‌تواند در تبیین و مقایسه یافته‌ها راهگشا باشد.

مدل تاب‌آوری لوتار: بر رویکرد اکولوژیکی استوار است و تاب‌آوری را توانایی فرد برای سازگاری مثبت با شرایط دشوار (مانند فقر، جنگ، یا تروما) مشروط بر وجود عوامل محافظتی در سطوح فردی، خانوادگی و اجتماعی تعریف می‌کند(۸).

مدل تاب‌آوری بونانو: این مدل بر پاسخ‌های روان‌شناختی به تروما تمرکز دارد و تاب‌آوری را توانایی حفظ تعادل روانی در برابر رویدادهای آسیب‌زا می‌داند. بر اساس دیدگاه بونانو، بیشتر افراد به‌صورت درونی توانایی بازگشت به عملکرد طبیعی پس از بحران را دارند(۹).

یکی از مؤلفه‌های کلیدی در یافته‌های این مطالعه، نقش مدیریت و سیاست‌گذاری آموزشی به‌عنوان نیروی راهبردی برای تثبیت تاب‌آوری است. بدون سیاست‌گذاری منسجم، سایر مؤلفه‌ها ـ از جمله حمایت‌های روانی، ظرفیت‌سازی معلمان، و زیرساخت‌های فیزیکی ـ نمی‌توانند اثربخشی کامل داشته باشند. این مشاهده با شواهد گسترده‌ی بین‌المللی همخوانی دارد. گزارش بانک جهانی بر اهمیت برنامه‌ریزی بلندمدت، تقویت مدیریت آموزشی، و بازسازی اعتماد اجتماعی تأکید کرده و بازسازی سرمایه‌های اجتماعی و توانمندسازی جامعه را ضروری دانسته است (۱۰). همچنین چارچوب‌های راهنمای یونِسکو و برنامه‌های بین‌المللی آموزش در شرایط اضطراری بر نیاز به سیاست‌گذاری هماهنگ،

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-09-05]

توانمندسازی مقامات محلی و مشارکت جامعه در فرایند بازسازی تأکید دارند؛ اقداماتی که زمینه‌ساز ایمنی روانی و ارتقای هویت مشترک دانش‌آموزان و خانواده‌ها هستند (۱۱).

مطالعات نظام‌مند نشان می‌دهند مدیریت مؤثر و سیاست‌گذاری هدفمند، بستر پایداری برای موفقیت مداخلات آموزشی فراهم می‌سازد (۴). ساختارهای نهادی و سیاستی ـ از جمله اعتماد عمومی و مشارکت اجتماعی ـ نقش تعیین‌کننده‌ای در انعطاف‌پذیری و بازیابی عملکرد آموزش دارند (۸).

این ملاحظات سیاستی برای کشورهایی مانند ایران، که در برخی مناطق زیرساخت‌ها و نهادهای آموزشی ممکن است در شرایط بحرانی آسیب دیده باشند، چند پیشنهاد کلیدی مطرح می‌کند:

- سیاست‌گذاری چندسطحی و هماهنگ.
- سرمایه‌گذاری در توانمندسازی مدیران مدرسه برای تصمیم‌گیری سریع و مقتضی.
- تدوین برنامه‌های بلندمدت بازگشت به یادگیری.

اجرای چنین رویکردی می‌تواند تضمین کند که مداخلات در سطح مدرسه و فردی تحت پوشش سیاستی مستحکم قرار دارند و تاب‌آوری دانش‌آموزان به‌صورت همه‌جانبه تثبیت می‌شود.

محور دوم: منابع انسانی و ظرفیت‌سازی. تجربه معلمان در مناطق جنگ‌زده ـ مانند موصل ـ نشان داده است که آنان علاوه بر وظیفه آموزش، نقش حمایتی و اجتماعی مهمی بر عهده دارند (۱۲). بنابراین آموزش مهارت‌های روانی ـ اجتماعی و مدیریت استرس برای معلمان باید به عنوان یک اولویت در نظر گرفته شود.

راهنماهای سازمان‌های بین‌المللی نیز بر همین نکته تأکید دارند: یونسکو و مرکز بین‌المللی آن برای ظرفیت‌سازی در آموزش (IICBA) مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها و دوره‌های آموزشی برای توانمندسازی معلمان در زمینه‌های MHPSS (حمایت روانی ـ اجتماعی و سلامت روان) و آموزش در شرایط اضطراری منتشر کرده‌اند. این دستورالعمل‌هایی شامل راهکارهایی برای مدیریت استرس معلمان، پیشگیری از فرسودگی شغلی، و تکنیک‌های تدریس است. اجرای این برنامه‌ها در سطح مدرسه می‌تواند نقش معلمان را از فقط «آموزش‌دهنده» به «پشتیبانِ یادگیری و سلامت روانی» ارتقا دهد (۱۳).

علاوه بر آموزش مستقیم معلمان، مطالعات نشان داده‌اند که سیاست‌گذاری برای حفظ نیروی انسانی، ایجاد و انگیزه در معلمان و فراهم‌سازی فرصت‌های یادگیری ضمن خدمت، از ارکان کلیدی ظرفیت‌سازی در بستر پس از بحران محسوب می‌شود (۱۴).

پیشنهاد می‌شود برنامه‌های بازآموزی معلمان و پشتیبانی شغلی در برنامه‌های بازسازی آموزشی کشور به‌عنوان اولویت قرار گیرند؛ رویه‌هایی که باید قابلیت اجرا داشته باشند تا پاسخ‌پذیری و ماندگاری نظام آموزشی افزایش یابد.

زیرساخت‌ها و امکانات آموزشی نقشی اساسی در تقویت تاب‌آوری همه‌جانبه دانش‌آموزان در شرایط بحران و پس از آن دارند. شواهد نشان می‌دهد که کیفیت محیط‌های یادگیری ـ از جمله نور، تهویه و شرایط فضاهای آموزشی ـ ارتباط مستقیمی با بهبود عملکرد تحصیلی و سلامت روانی دانش‌آموزان دارد(۱۵). مقاوم‌سازی فیزیکی مدارس در برابر بلایای طبیعی و حوادث انسانی، همراه با برنامه‌های ارزیابی خطر و طرح‌های «بازگشت سریع به عملکرد»، از قطع طولانی‌مدت آموزش جلوگیری کرده و آسیب‌پذیری نظام آموزشی را کاهش می‌دهد(۱۶).

علاوه بر این، فراهم بودن زیرساخت‌های فناوری نظیر اینترنت، پلتفرم‌های آموزش مجازی و محتوای دیجیتال بومی‌شده امکان تداوم یادگیری را فراهم کرده و مانع افت تحصیلی و پیامدهای روانی می‌شود؛ هرچند توجه به عدالت دیجیتال در این زمینه ضروری است (۱۷). بر این اساس، زیرساخت‌ها و امکانات آموزشی را می‌توان یکی از مهم‌ترین پایه‌های تاب‌آوری نظام آموزشی دانست؛ زیرا ترکیب مقاوم‌سازی فیزیکی، توسعه فناوری آموزشی و تقویت حمایت روانی بستری جامع برای افزایش تاب‌آوری دانش‌آموزان در مواجهه با بحران‌ها فراهم می‌آورد

از سوی دیگر، مدارس تاب‌آور تنها به امکانات فیزیکی محدود نمی‌شوند، بلکه باید فضاهایی برای حمایت روانی دانش‌آموزان فراهم کنند (۱۸). یافته‌های مطالعه نشان داد که بی‌توجهی به آسیب‌های روانی ناشی از بحران در دانش‌آموزان، تاب‌آوری نظام آموزشی را به‌شدت تضعیف خواهد کرد. این نتیجه با شواهد بین‌المللی همسو است؛ چنان‌که Betancourt و همکاران نشان دادند مداخلات روانی ـ اجتماعی با مشارکت والدین پیامدهای مثبتی برای کودکان درگیر بحران دارد(۱۹). همچنین مرور نظام‌مند Tol و همکاران تأکید می‌کند که سرمایه اجتماعی ـ از جمله حمایت همسالان ـ به‌طور معناداری با کاهش مشکلات روانی و بهبود عملکرد آموزشی مرتبط است (۲۰).

یکی از اقدامات اصلی در تقویت تاب‌آوری روانی ـ اجتماعی دانش‌آموزان، اجرای مدرسه محور است. تاب‌آوری روانی به توانایی سازگاری با ناملایمات و حفظ سلامت روان اشاره دارد و پژوهش‌ها بر توسعه برنامه‌های آموزشی در این زمینه تأکید دارند (۱). تجربیات تحصیلی کودکان سوری در ترکیه نشان می‌دهد که ادغام حمایت روانی ـ اجتماعی، آموزش مهارت‌های زندگی و آموزش‌های می‌تواند بازگشت به تحصیل و ارتقای تاب‌آوری را تسهیل کند؛ این الگوهایی که قابلیت اقتباس در مناطق پساجنگ ایران نیز دارد (۲۱).

از سوی دیگر، مداخلات ترکیبی اثربخشی بیشتری دارند. آموزش معلمان برای شناسایی زودهنگام مشکلات، ارائه حمایت اولیه و ارجاع مناسب، در کنار اجرای برنامه‌های SEL (یادگیری اجتماعی ـ عاطفی) و مداخلات گروهی هدفمند، نتایج پایدارتری ایجاد می‌کند. شواهد

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-09-05]

حاصل از مرورها و کارآزمایی‌های بالینی نیز مؤید پیشگیری از مشکلات مزمن در این الگوهاست (۲۳ و ۲۲). افزون بر این، سیستم‌های پایش سلامت روان با غربالگری‌های دوره‌ای و شناسایی نیازهای ویژه، امکان تخصیص هدفمند منابع و ارجاع به‌موقع را فراهم می‌سازند (۲۴). موفقیت این نظام‌ها به کیفیت اجرا، آموزش کارکنان و انطباق فرهنگی بستگی دارد. همچنین، ارزیابی‌ها فراتر از علائم بالینی بوده و شاخص‌هایی چون عملکرد اجتماعی، بازگشت به تحصیل و تاب‌آوری بلندمدت را دربرگیرد (۲۵).

در ایران، تقویت ظرفیت مدارس برای اجرای خدمات روانی ـ اجتماعی (MHPSS) و برنامه‌های SEL متناسب با فرهنگ بومی، ضرورتی اساسی است. انجام ارزیابی‌های منظم نیز می‌تواند مسیر بهبود و سنجش اثربخشی این مداخلات را روشن کند (۲۶).

مشارکت جامعه و انسجام اجتماعی نیز از محورهای کلیدی تاب‌آوری دانش‌آموزان در حین و پس از بحران محسوب می‌شوند. شواهد نشان می‌دهد جوامعی با سطوح بالاتر سرمایه اجتماعی سریع‌تر به سامانه‌های آموزشی خود بازمی‌گردند، امکان بازگشایی مدارس را بهتر سازمان‌دهی می‌کنند و از شدت پیامدهای اجتماعی دانش‌آموزان می‌کاهند(۲۷). تحلیل‌های انجام‌شده در دوران همه‌گیری کووید ـ۱۹ نشان می‌دهند انسجام اجتماعی با نتایج سلامت، رفتارهای محافظتی و تحمل روانی در برابر بحران همبستگی دارد (۲۸). تقویت انسجام اجتماعی و مشارکت، در کنار مداخلات مدرسه‌محور برای سلامت روان و آموزش مهارت‌های اجتماعی ـ عاطفی، هم‌افزایی ایجاد می‌کند؛ ترکیب این اجزا منجر به بهبود بلندمدت تاب‌آوری کودکان و نوجوانان و افزایش بازگشت به مدرسه می‌گردد. بنابراین توصیه می‌شود سیاست‌گذاران و مدیران آموزشی در طراحی برنامه‌های تاب‌آوری، سازوکارهای مشارکت والدین و دانش‌آموزان را تقویت کنند (۳۰ و ۲۹).

در ایران طی سال‌های اخیر، برنامه‌های ملی متعددی برای ارتقای تاب‌آوری دانش‌آموزان طراحی و اجرا شده است. از جمله می‌توان به طرح «نماد» اشاره کرد که با هدف ایجاد یک نظام مراقبت اجتماعی دانش‌آموزان و مداخله در زمینه مشکلات روانی، رفتاری و اجتماعی اجرا می‌شود. این طرح با مشارکت وزارت آموزش‌وپرورش و سایر نهادهای مرتبط، تلاش دارد با شناسایی دانش‌آموزان در معرض آسیب، ارائه خدمات مشاوره‌ای و حمایت روانی– اجتماعی، بستر مناسبی برای ارتقای سلامت و پیشگیری از آسیب‌ها فراهم سازد.

همچنین، طرح «دادرس» (دانش‌آموزان آماده در روزهای سخت)، به عنوان برنامه‌ای ملی در حوزه آموزش‌های امدادی و مهارت‌های مقابله با بحران شناخته می‌شود. این طرح با آموزش مهارت‌های امداد و کمک‌های اولیه به دانش‌آموزان، توان آن‌ها را برای واکنش سریع و مؤثر در شرایط بحرانی افزایش داده و در عین حال حس مسئولیت‌پذیری، انسجام اجتماعی و خودکارآمدی را در آنان تقویت می‌کند.

تقویت و توسعه این‌گونه طرح‌ها، همراه با یکپارچه‌سازی و ارزیابی منظم اثربخشی آن‌ها، می‌تواند نقش کلیدی در افزایش تاب‌آوری روانی - اجتماعی و آموزشی دانش‌آموزان در شرایط بحران ایفا کند. چالش‌های مهمی وجود دارد؛ از جمله ناپایداری در سیاست‌ها و مدیریت، بی‌ثباتی سیاسی، تغییرات مکرر مدیریتی، ضعف در ارزیابی و نظارت، و فقدان یک سند راهبردی هماهنگ و بلند مدت. علاوه بر این، پراکندگی و موازی‌کاری میان نهادهای مختلف (آموزش و پرورش، علوم، بهداشت، هلال احمر) است که می‌تواند موجب هدر رفتن منابع شود.

پیامدهای سیاستی برآمده از یافته‌ها برای کشورهایی مثل ایران قابل توجه است. نخست، لازم است سیاست‌گذاران آموزش تاب‌آوری را در اسناد راهبردی ملی وارد کرده و منابع مالی پایدار و بلندمدت را برای بازسازی و تجهیز مدارس، آموزش معلمان، و فراهم‌آوری امکانات روانی ـ اجتماعی پیش‌بینی کنند. دوم، مشارکت جامعه و سازمان‌های غیردولتی باید به‌طور جدی در برنامه‌های بازسازی آموزشی لحاظ شود. سوم، آموزش از راه دور و مبتنی بر فناوری باید با توجه به عدالت دسترسی طراحی شد تا مناطق محروم نیز بهره‌مند شوند. چهارم، حمایت روانی از دانش‌آموزان، معلمان و خانواده‌ها ضروری است؛ به گونه‌ای که خدمات مشاوره‌ای، فعالیت‌های بازتوانی روانی و حمایت سازمانی، بخشی جدایی‌ناپذیر از دستورالعمل بازسازی آموزشی پساجنگ باشند.

نتیجه‌گیری

تاب‌آوری نظام آموزشی در شرایط پساجنگ فرایند جامع با ابعاد اجتماعی، روانی و مدیریتی است که نیازمند توجه هم‌زمان به چند محور کلیدی می‌باشد. یافته‌های این مطالعه نشان داد که مدیریت و سیاست‌گذاری هماهنگ، منابع انسانی توانمند، زیرساخت‌های مقاوم، حمایت‌های روانی ـ اجتماعی و مشارکت و انسجام اجتماعی عناصر جدایی‌ناپذیر این چارچوب هستند.

توجه به سرمایه انسانی از طریق آموزش گسترده معلمان، افزایش نسبت مشاور به دانش‌آموز و یا استفاده از معلمان در نقش مشاور، تخصیص منابع پایدار برای بازسازی مدارس و توسعه فناوری‌های آموزشی، و نیز نهادینه‌سازی حمایت روانی ـ اجتماعی و مشارکت اولیاء و جامعه از جمله اولویت اساسی محسوب می‌شوند. برای کشورهایی مانند ایران، این یافته‌ها می‌تواند مبنای برای تدوین سیاست‌های جامع و بلندمدت در حوزه آموزش در شرایط بحران مورد استفاده قرار گیرند.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-09-05]

منابع

1. Schetter CD, Dolbier C. Resilience in the Context of Chronic Stress and Health in Adults. *Soc Personal Psychol Compass* 2011 Sep; 5(9): 634-652.
2. Tan CY, Jang ST, Lam SM, An AQ, Lo UK. Teaching and learning challenges due to the COVID-19 pandemic: A systematic review. *Educ Res Rev* 2025 May 1; 47: 100667.
3. Sadati A, Bagheri Lankarani K. Risk Society, Global Vulnerability and Fragile Resilience; Sociological View on the Coronavirus Outbreak. *Shiraz E-Med J* 2020; 21(4): e102263.
4. Borazon EQ, Chuang HH. Resilience in educational system: A systematic review and directions for future research. *Int J Educ Dev* 2023 May 1; 99: 102761.
5. Poirier T. The effects of armed conflict on schooling in Sub-Saharan Africa. *Int J Educ Dev* 2012 Mar 1; 32(2): 341-51.
6. Jowkar B, Kojuri J, Kohoulat N, Hayat AA. Academic resilience in education: the role of achievement goal orientations. *J Adv Med Educ Prof* 2014 Jan; 2(1): 33-8.
7. Muthanna A, Almahfali M, Haider A. The interaction of war impacts on education: Experiences of school teachers and leaders. *Educ Sci* 2022 Oct 19; 12(10): 719.
8. Luthar SS, Cicchetti D. The construct of resilience: implications for interventions and social policies. *Dev Psychopathol* 2000; 12(4): 857-85.
9. Bonanno GA. Loss, trauma, and human resilience: have we underestimated the human capacity to thrive after extremely aversive events? *Am Psychol* 2004 Jan; 59(1): 20-8.
10. The World Bank. Reshaping the Future: Education and Post conflict Reconstruction. Washington, D.C.: The World Bank; 2005.
11. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization. Guidebook for planning education in emergencies and reconstruction. Paris: UNESCO / IIEP; 2006.
12. Paradies M. "I do not want to stop teaching": The impact of conflict and displacement on teachers in southern Mosul. *Prospects* 2024 Dec; 54(3): 769-87.
13. UNESCO International Institute for Capacity-Building in Africa. Strengthening Mental Health and Psychosocial Support for pre-and in-service teachers in Africa. 2023. Available at: https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000387278
14. Papay JP, Bacher-Hicks A, Page LC, Marinell WH. The Challenge of Teacher Retention in Urban Schools: Evidence of Variation from a Cross-Site Analysis. *Educ Res* 2017: 46(8), 434-448.
15. Opabola EA, Galasso C, Rossetto T, Meilianda E, Idris Y, Nurdin S. Investing in disaster preparedness and effective recovery of school physical infrastructure. *Int J Disaster Risk Reduct* 2023 May 1; 90: 103623.
16. Torani S, Majd PM, Maroufi SS, Dowlati M, Sheikhi RA. The importance of education on disasters and emergencies: A review article. *J Educ Health Promot* 2019 Apr 24; 8: 85.
17. Barikzai S, Bharathi SV, Perdana A. Challenges and strategies in e-learning adoption in emerging economies: a scoping review. *Cogent Education* 2024 Dec 31; 11(1): 2400415.
18. Rahmania T. Exploring school environmental psychology in children and adolescents: The influence of environmental and psychosocial factors on sustainable behavior in Indonesia. *Heliyon* 2024 Sep 12; 10(18): e37881.
19. Betancourt TS, Meyers-Ohki SE, Charrow A, Tol WA. Interventions for children affected by war: An ecological perspective on psychosocial support and mental health care. *Harv Rev Psychiatry* 2013; 21(2): 70-91.
20. Tol WA, Song S, Jordans MJD. Annual research review: Resilience and mental health in children and adolescents living in areas of armed conflict – a systematic review of findings in low- and middle-income countries. *J Child Psychol Psychiatry* 2013; 54(4): 445-60.
21. Bircan T, Sunata U. Educational assessment of Syrian refugees in Turkey. *Migrat Lett* 2015 Sep 1; 12(3): 226.
22. Sancassiani F, Pintus E, Holte A, Paulus P, Moro MF, Cossu G, et al. Enhancing the emotional and social skills of children and young people in public health contexts: A systematic review of universal school-based randomized controlled trials. *Clin Pract Epidemiol Ment Health* 2015; 11(Suppl 1 M2): 21-40.
23. Oliveira S, Cardoso A, Martins MO, Roberto MS, Veiga-Simão AM, Marques-Pinto A. Bridging the gap in teacher SEL training: Designing and piloting an online SEL intervention with and for teachers. Social and Emotional Learning: Research, Practice, and Policy 2025; 5: 100118.
24. Dowdy E, Ritchey K, Kamphaus RW. School-Based Screening: A Population-Based Approach to Inform and Monitor Children's Mental Health Needs. *School Ment Health* 2010 Dec; 2(4):166-176.
25. Barry MM, Clarke AM, Jenkins R, Patel V. A systematic review of the effectiveness of mental health promotion interventions for young people in low and middle income countries. *BMC Public Health* 2013; 13: 835.
26. Hulscher ME, Laurant MG, Grol RP. Process evaluation on quality improvement interventions. *Qual Saf Health Care* 2003 Feb; 12(1): 40-6.
27. Plagens GK. Social capital and education: Implications for student and school performance. *Education and Culture* 2011 Apr 1; 27(1): 40-64.
28. Ware P. Social Cohesion and COVID-19: Integrative Review. *Interact J Med Res* 2024 Nov 21; 13(1): e51214.
29. Tusha A, Bulut S, Al-Hendawi M. Promoting a healthy school environment via social-emotional learning in the high school setting: An overview. *Adv Med Psychol Public Health* 2024; 1(3): 156-63.
30. Jewett RL, Mah SM, Howell N, Larsen MM. Social cohesion and community resilience during COVID-19 and pandemics: A rapid scoping review to inform the United Nations research roadmap for COVID-19 recovery. *Int J Health Serv* 2021 Jul; 51(3): 325-36.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-09-05]

Original

Promoting Resilience in the Iranian Educational System in Post-War Conditions

Kamran Bagheri Lankarani[1], MohammadHossein Taghdisi[2], Ladannaz Zahedi[3], Maryam Khayamzadeh[4*]

1. Distinguished Professor of Gastroenterology, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran
2. Professor of Health Education and Promotion, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
3. PhD in Medical Ethics, Faculty Member of Academy of Medical Sciences IRI, Tehran, Iran
4. ⁎**Corresponding Author:** Associate Professor, Community Medicine Specialist, Academy of Medical Sciences IRI, Tehran, Iran, khayamzadeh@yahoo.com

Abstract

Background: Psychosocial resilience in the education system is the ability to cope with crises such as war, natural disasters, and epidemics that threaten learning and mental health. This study was designed to identify effective factors and provide solutions to promote Iran's educational resilience in post-war conditions.

Methods: This qualitative study was conducted using the focus group discussion (FGD) method and the participation of faculty members, officials, and senior experts in the fields of education and health at the Academy of Medical Sciences. Data were collected through recording and note-taking, then transcribed and coded. Content analysis led to the identification of main themes. For validation, participant review, multidisciplinary analysis, and comparison with related documents were used.

Results: Analysis of data from the focus group discussion led to the extraction of five key axes for promoting the resilience of the education system in post-conflict conditions: educational management and policymaking with an emphasis on national coordination; human resources and capacity building, including teacher training and retraining; educational infrastructure and facilities through reconstruction and use of technology; psychosocial support for students, teachers, and families; and social participation and cohesion to strengthen trust and solidarity. These axes provide a comprehensive picture of the multi-layered dimensions of educational resilience.

Conclusion: The resilience of the education system in post-conflict conditions goes beyond physical reconstruction and includes coordinated management, capable human resources, resilient infrastructure, psychosocial support, and community participation. The implementation of these components ensures the continuity of learning, strengthens social capital, and rebuilds public trust.

Keywords: Education, Mental Health, Resilience, War-Related Injuries

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-09-05]

Please cite this article as:
Bagheri Lankarani K, Taghdisi MH, Zahedi L, Khayamzadeh M.Promoting Resilience in the Iranian Educational System in Post-War Conditions. Iran J Cult Health Promot 2025; 9(3): 258-264.

Copyright: © Iranian Journal of Culture and Health Promotion. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License